

## توسعه شهری پایدار و توسعه فرهنگی

مهندس غلامرضا لطیفی\*

تاریخ دریافت: ... ۸۲/۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ... ۸۲/۸/۲۵

### چکیده

دو مفهوم توسعه فرهنگی و توسعه پایدار شهری در ادبیات برنامه‌ریزی شهری کاربرد زیادی یافته‌اند و غالباً در کنار هم قرار می‌گیرند. یعنی توسعه فرهنگی ضرورتاً می‌تواند به توسعه پایدار شهری و نیز پایداری شهری کمک نماید.

سابقه تأکید بر شهر و محیط زیست در گردهمایی‌های بین‌المللی چندان طولانی نیست. اولین گردهمایی زیست‌محیطی در اروپا در سال ۱۹۵۷ برگزار شد و در قطعنامه آن، در سه مورد به شهرها توجه شده است. در مناطق شهری حفاظت و توسعه کیفیت محیط در اولویت قرار گیرد و با گسترش حفاظت از سلامتی انسان به استفاده بهینه و منطقی از منابع پرداخته شود که این امر هم ضرورت نگاهی همه‌جانبه به ابعاد توسعه و فقرزدایی را به همراه دارد و نیز شناخت

فرهنگ و توسعه فرهنگی را در زندگی شهری امروز که نیازمند دیدی همه‌جانگر و گسترده است، ضروری می‌سازد. لذا در این مقاله بر نقش توسعه فرهنگی در توسعه شهری پایدار تأکید شده است. توسعه پایدار شهری از موضوعات مهم توسعه از دهه هشتاد به بعد است که در قالب جهانی شدن و نیز محلی‌گرایی بر تمام دنیا سایه افکنده است. کمیابی عوامل تولید، محدودیت‌ها و چالش‌های توسعه و نیز آینده‌نگری از ارکان اصلی توسعه پایدارند که عمدتاً شهرها بستر ساز آن هستند.

**واژه‌های کلیدی:** توسعه، توسعه شهری پایدار، فرهنگ، شهرنشینی، شهرگرایی

#### مقدمه

رشد شهرنشینی و شهرگرایی در جهان رو به افزایش است و این روند تا مرحله تثبیت خود به مرز حداکثر ادامه می‌یابد. توسعه زندگی شهری و رفتار شهرنشینان چگونه شکل می‌گیرد و هنجارپذیر می‌گردد؟ آیا خود، به نوعی، رفتاری خاص است و ویژه جامعه شهری و تحت عنوان فرهنگ شهری، یا برآیندی است از توسعه شهر و صنعت؟

توسعه فرهنگی پویایی است دراز مدت که توسط ارگان‌های رسمی و غیر رسمی در جامعه دخالت می‌کند و به تدریج به عنوان یک کنش، خود را نشان می‌دهد. تا جایی که در حال حاضر در تمام دنیا برنامه‌های توسعه به سه بعد مهم در کنار یکدیگر می‌پردازند که یکی از آن‌ها فرهنگ است. از همین رو برنامه‌ریزی فرهنگی باید در تمام برنامه‌ریزی‌ها نقش و جایگاه خاصی را به خود اختصاص دهد و بدون در نظر گرفتن آن، برنامه‌ها تأثیربخشی لازم را نخواهد داشت.

#### طرح مسئله

توسعه شهری پایدار یا به تعبیر دیگر توسعه پایدار شهری در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران

در چند ساله اخیر به ویژه در طرح کالبدی ملی مورد توجه قرار گرفته است. این توسعه رهیافتی بیش تر بوم شناختی است و به طور مشخص در قالب ابعاد اقتصادی و اجتماعی، مکانی، فرهنگی و محیط زیستی متجلی می گردد. در تمام این فرآیند، هدف، نوعی استفاده مناسب تر و بهینه تر از امکانات و منابع با در نظر گرفتن محدودیت ها و فرصت ها است. در جامعه شهری ما بدون توجه به این رویکرد مهم، به ویژه در شهرهای بزرگ، شاهد هدر رفتن شدید منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستیم. بستر سازی مناسب و رشد و توسعه فرهنگی می تواند راهگشای زمینه های مثبت برنامه ریزی ها از جمله برنامه ریزی شهری باشد، چالش عمده در توسعه شهری پایدار، محدودیت های ساختاری در بستر سازی فرهنگی و علاوه بر آن، پایین بودن بسیاری از سرانه های شهری و از جمله فقر مزمن شهری است که از موانع عمده در راه توسعه شهری پایدار محسوب می گردد.

شهرنشینی و شهرگرایی دو مقوله لاینفک جامعه مدنی اند. مفهوم «شهر» در روند تکامل خود از مراحل مختلف و پرتشتتی عبور کرده است که در هزاره سوم نیاز به بازبینی این مفهوم از هر دوره دیگری ضروری تر می آید.

توسعه شهری پایدار مفهومی زیست محیطی است که به دنبال روند فزاینده شهرنشینی و تخریب منابع باگستردگی تراکم و هجوم و توالی جمعیت شهری هم بسته است. شهرنشینی در سال های اخیر، به ویژه در جهان صنعتی، رشد فوق العاده ای یافته و توسعه پایدار شهری به دنبال حفظ تعادل در زندگی شهری است. این روند زمانی می تواند به پویایی نایل گردد که با توسعه فرهنگی و سطح کیفی آن در ارتباط باشد، بنابراین شناخت فرهنگ و ویژگی های آن و نیز مفهوم توسعه، به ویژه توسعه پایدار اهمیت زیادی می یابد و شناخت این فرآیند می تواند مشکل بسیاری از شهرهای جامعه جهانی را که به دنبال حفظ منابع غیر قابل تجدید هستند تسهیل نماید. در کشور ایران به دلیل تأخیر در روند توسعه شهری پایدار، مهاجرت های گسترده به شهرها و حومه های شهری، سطح پایین اشتغال و وجود فقر در نواحی شهری نیاز به

برنامه‌ریزی‌های زیست محیطی همراه با برنامه‌ریزی‌های فرهنگی که بتواند بسترساز این روند باشد از اهمیت زیادی برخوردار است.

### فرهنگ و توسعه

«کلمه culture که از کلمه لاتینی cultus به معنی پرستش گرفته شده، در اصل، به معنای بزرگداشت و تجلیل حرمت است.

چندی بعد این کلمه برای تشریح فرآیند کشت به کار رفت و بعدها به مفهوم پرورش و تهذیب روح و رفتار استفاده شد. سرانجام در سده نوزدهم کلمه culture برای توصیف روشنفکری و جنبه‌های زیبایی‌شناختی تمدن به کار رفت... از دید یونسکو، فرهنگ، کلیت تامی از ویژگی‌های معنوی، مادی، فکری و احساسی است که یک گروه اجتماعی را مشخص می‌کند. فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات را دربرمی‌گیرد، بلکه شامل آیین‌های زندگی، حقوق اساسی نوع بشر، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها است» (فاضلی، ۱۳۷۶: ۱۳).

فرهنگ را می‌توان تمام ارزش‌ها دانست که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد و در این جابه‌جایی تغییرات گسترده‌ای پیدا می‌کند و تقریباً ساختار آن باقی می‌ماند. به همین دلیل در فرآیند رشد و توسعه، توجه به این مقوله با اهمیت است.

توسعه، فرآیندی کمی و کیفی است که در یک جامعه بر تمام ابعاد اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی آن تأثیر می‌گذارد. و سطوح مختلف زندگی را دربرمی‌گیرد؛ یا به نوعی می‌توان گفت توسعه، فرآیندی است که یک جامعه را از وضعیتی خاص به وضعیتی بالاتر (حداقل از نظر کیفیات زندگانی) می‌رساند. توسعه، گذار جامعه از وضعیتی خاص به سمت شرایط و وضعیت بهتر قلمداد می‌گردد. بنابراین، گذار کیفی جامعه از مرحله‌ای به مرحله دیگر، توسعه محسوب می‌گردد.

«توسعه به مثابه مسئله‌ای کلی و چند بعدی، همزمان با تجربیات تعداد زیادی از کشورهای

استقلال یافته در دهه ۱۹۶۰ مطرح شد؛ توسعه آن‌ها به خاطر منفعت مردمشان نبود، بلکه از علایق کشورهایی که امپراتوری‌های مستعمراتی داشتند، ناشی می‌شد. هیچ کشوری به رغم داشتن تاریخ، سنت‌های فرهنگی و پیشینه مشخص نمی‌تواند مفهوم چیره و فراگیر توسعه را که متکی بر عقاید غرب درباره پیشرفت بشر بوده و هدف آن بالا بردن معیارهای زندگی تمام مردم است، رد کرده، از آن چشم پوشی کند.» لذا در کشورهای در حال توسعه، بُعد مهم توسعه، زمینه اقتصادی آن بود و به دلیل فاصله‌ای که بین آن‌ها و غرب وجود داشت، بسیاری از الگوهای به کار گرفته شده در برنامه‌های توسعه، ملهم از غرب و ایدئولوژی تکنولوژیکی آن بود که تأثیرات بسیاری را بر این کشورها بر جای گذاشت. یکی از این تأثیرات در دو بعد درونی و بیرونی قابل تعمق است.

### الف - بعد درونی

در درون این کشورها فاصله‌های درآمدی شدت گرفت و جامعه به دوگانگی رو به تزاید کشانده شد. تأثیرات این دوگانگی در بسیاری از نهضت‌های اجتماعی تبلور یافت، و در اکثر مواقع با بازتاب‌های اجتماعی نمود می‌یافت و باعث تغییرات اجتماعی می‌گردید.

### ب - بعد بیرونی

در کشورهای متروپل به دلیل ساخت استعمارگرایانه و تسلط بر منابع، بیش‌ترین منافع توسعه در این کشورها به خود کشورهای پیشرفته سرازیر می‌شد و فاصله کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته شدت می‌گرفت.

بنابراین، بعد از دهه شصت و در دهه هفتاد میلادی توسعه پایدار مطرح گردید. این مفهوم جدید نیاز به تعمق و بررسی بیش‌تری دارد. واژه توسعه پایدار اولین بار به طور رسمی توسط برانت لند در سال ۱۹۸۷ در گزارش «آینده مشترک ما» مطرح گردید. این واژه به مفهوم گسترده



آن شامل «اداره و بهره‌برداری صحیح و کارا از منابع مالی و نیروی انسانی برای نیل به الگوی مصرف مطلوب همراه با به‌کارگیری امکانات فنی و ساختار و تشکیلات مناسب برای رفع نیاز نسل‌های امروز و آینده به طور مستمر و قابل رضایت» می‌شود (مکنون، ۱۳۷۴).

### توسعه پایدار چیست؟

توسعه پایدار (sustainable development) توسعه‌ای درون‌زا و نظام‌مند و متعادل است که بینشی سیستمی را در تمامی رشته‌ها مطرح می‌سازد. اولین رشته یا شاخه علمی که از این مفهوم استفاده نمود، محیط زیست بود. توسعه پایدار به دنبال فقرزدایی، ایجاد تعادل در بین کشورهای جهان و یک هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است که بر صلح و استفاده بهتر از منابع، به ویژه منابع تجدید شونده تأکید دارد. لذا توسعه فرهنگی نیز بستری مناسب را در توسعه پایدار دنبال می‌کند.

«توسعه فرهنگی از اجزای مهم توسعه پایدار زیست‌محیطی یا مدل توسعه پایان قرن بیستم محسوب می‌شود. تجربه یک قرن و نیم توسعه، به ویژه در جهان سوم یا جهان زیر سلطه، نشان داده است که توسعه فرآیندی تام و تمام است. به همین دلیل الگوهای توسعه که تنها بر بعدی از ابعاد متنوع این پدیده تأکید روا داشته‌اند و در عمل به جای فرآیندی علمی هستند و برخاسته از شرایط خاص جوامع جهان سومی، به ایدئولوژی‌های توجیه‌کننده رابطه نابرابر و نامتعادل سرمایه‌داری جهانی و ملل جهان سوم تبدیل شده‌اند. از این روی، در دهه‌های هشتاد و نود میلادی تحت تأثیر شکست برنامه‌های توسعه از یک سو و عمده شدن تضادهای سرمایه‌داری با طبیعت از سوی دیگر، بحث توسعه پایدار زیست‌محیطی مطرح شد و در مدتی کوتاه با اقبال صاحب‌نظران و مؤسسات توسعه روبه‌رو گردید و به تدریج قبول عام یافته است» (ساماندهی فرهنگی، ۱۳۷۷: ۳).

توسعه پایدار حالت تکاملی برنامه‌های توسعه است که با دیدی کل‌نگر و با تأکید بر بینشی

سیستمی سعی دارد یک رهیافت تعادل بخش را دنبال کند. امروزه عوامل متعددی در زیرمجموعه توسعه پایدار و به طور خاص، توسعه پایدار شهری قرار می‌گیرند که عمدتاً عبارتند از شهر سالم، کاهش آلاینده‌ها، تأکید بر منابع تجدید شونده، و فقر زدایی.

«توسعه پایدار به معنای پیشرفت کیفیت زندگی، و زندگی در ظرفیت تحمل اکوسیستم‌های پشتیبان است» (UN, 1994: 1).

پایداری، مفهومی پویاست و تأکید بر استفاده از منابع در یک حالت ماندگار دارد. این وضعیت در بین سطوح رشد کشورهای جهان دارای معانی متفاوتی است، زیرا در کشورهای توسعه‌نیافته، سرمایه لازم برای این ماندگاری وجود ندارد و بیش‌ترین تخریب‌های زیست محیطی نیز از این ناحیه بر می‌خیزد.

توسعه پایدار شهری مستلزم فعالیت‌های هدایت‌شده شهرسازان است که با استفاده بهینه از زمین و محیط زیست و انرژی صورت می‌گیرد. سلمن (۱۹۹۵) ضمن تحلیل نقش شهرسازی در ایجاد پایداری در شهرها به عوامل مختلفی اشاره می‌کند که به آن‌ها اشاره خواهد شد. بنا به گفته رزلند (۱۹۹۲) «شهرها امکانات و موقعیت‌های فراوانی را برای حل مسائل زیست‌محیطی دارا هستند. برنامه‌ریزان و مسئولان شهری هم می‌توانند و هم باید در به کارگیری شیوه‌های جدید توسعه پایدار و مدیریت شهری پیشقدم شوند» (محیط‌شناسی، ۱۳۷۶: ۲).

### سابقه موضوع

در مورد مفاهیم جدید توسعه یا ترکیبات آن‌ها، رسیدن به یک نقطه آغاز شاید به دلیل سادگی موضوع اهمیت یابد، ولی این پدیده عمدتاً با شکل‌گیری یک تشکل و در یک تاریخ مشخص عینیت می‌یابد.

«انستیتو پانوس، یک سازمان غیردولتی مستقل بین‌المللی است و شامل چهار سازمان غیردولتی در فرانسه، مجارستان، انگلستان و ایالات متحده است. که روی مسائل توسعه پایدار از سال ۱۹۸۰ و به ویژه توزیع اطلاعاتی که برای همه انواع استفاده کنندگان در پروژه‌های نجات و توسعه در این زمینه مفید و در دسترس هستند، کار می‌کند» (محمدی، ۱۳۷۶: ۸۵).  
پیش از این تاریخ در سال ۱۹۷۲ در استکهلم سوئد کنفرانس «محیط زیست انسانی سازمان ملل متحد» بر پا شد و منتهی به اعلامیه استکهلم گردید که مقدمه‌ای است بر یک آغاز رسمی و جدی و شاید برای اولین بار بود که رابطه انسان با محیط مطرح می‌گردید.

بیست سال طول کشید تا دومین کنفرانس در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برگزار شود. این کنفرانس تحت عنوان «محیط زیست و توسعه» و بیانیه‌ای که به «منشور زمین» معروف گشت انجام شد و با تصویب اسناد منشور ۲۱ به کار خود پایان داد. این منشور با ۲۷ اصل، مبنای رفتار مردم جهان نسبت به محیط زیست و توسعه است.

در این منشور انسان محور توسعه است، انسانی که در درجه اول در جهان امروز با بسیاری از نابسامانی‌های اقتصادی - اجتماعی روبه‌روست که یکی از مهم‌ترین آن‌ها فقر است و تا زمانی که سطح فقر در جهان کاهش نیابد می‌توان به جرأت اذعان نمود که اهداف توسعه پایدار در اجرا با مشکل روبه‌رو خواهد شد. بر اساس اصل اول «منشور زمین»:

«انسان‌ها موضوع اصلی هر گونه توسعه هستند. برخورداری از سلامت و توانایی‌های جسمی و روحی جزو حقوق انسان‌ها در انطباق با طبیعت است» (فرتر، ۱۹۹۲، ۲).

محور تمام برنامه‌ها باید انسان باشد و نیازهای مشروع وی، نیازهایی هستند که بتواند خلاقیت‌های وی را در جهت تکاملی، هدفدار و نظام‌مند نمایند.

حرکت‌های جهانی از کنفرانس استکهلم شروع شد. در این کنفرانس، چند اتفاق فکری رخ داد و موضوعاتی چون شهر سالم، توسعه کالبدی سریع، تخریب سرزمین، و اضافه شدن شهرها مطرح گردید.



سپس در کنفرانس اسکان ۲ در سال ۱۹۹۵ در استانبول، مصوبات کنفرانس ریو مورد تأکید قرار گرفت.

در گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۴ تأکید بسیاری بر امنیت و صلح و مجدداً توسعه پایدار شد.

«مادام که مردم در زندگی روزانه خود امنیت نداشته باشند، جهان هرگز نمی‌تواند به صلح دست یابد. مناقشه‌های آینده با ریشه‌های عمیق در محرومیت‌ها و نابرابری‌های رو به تزاید اقتصادی - اجتماعی ممکن است بیش‌تر در درون محدوده‌های ملی واقع شوند تا بین ملت‌ها. در چنین فضایی، امنیت را می‌توان در توسعه سراغ گرفت، نه در اسلحه. به عبارتی عام‌تر، جز در بافت توسعه پایدار رهنمون به امنیت انسانی، دست‌یابی به هیچ کدام از هدف‌های بزرگ مانند صلح، حفاظت محیط زیست، حقوق بشر یا دموکراسی‌گستری (democratization)، کاهش باروری و یکپارچه سازی اجتماعی برای جامعه ملل امکان‌پذیر نخواهد بود» (توسعه انسانی، ۱۹۹۴: ۱).

لذا توسعه شهری پایدار هنگامی می‌تواند ماندگاری یابد که به صورت یک فرهنگ مقبولیت یابد و مشارکت غیررسمی آحاد یک ملت را دربرگیرد.

### فرآیند توسعه شهری پایدار

با توجه به تعاریفی که از توسعه، فرهنگ و پایداری ارائه گردید، باید دید که برای پایداری در شهرها به ویژه در برنامه‌ریزی شهری به چه نکاتی باید توجه نمود و از نظر اهمیت موضوع چگونه می‌توان آن را به عنوان یک فرهنگ در بین مردم جای داد، به ویژه در جهانی که زندگی شهری رو به رشد و توسعه است و در شهرهای بزرگ ضرورت این ماندگاری در گرو مطالعات پیوسته و گسترده فرهنگی و شهرسازان است. سلمن (۱۹۹۵) برای پایداری در شهرها زمینه‌های فعالیتی زیر را به شهرسازان توصیه می‌کند که عبارتند از:

- ۱- حمایت از سرمایه‌های طبیعی حساس مانند دفاع از کیفیت هوا، دفاع از کیفیت آب، دفاع از زیستگاه‌های عمده و حداقل بهره‌برداری از منابع تجدیدناپذیر.
  - ۲- حفاظت و نگهداری از منابع طبیعی مانند به‌کارگیری اهرم‌های شهرسازی در حفظ منابع طبیعی، حداکثر استفاده از توان‌های احیاء و بازسازی، فعال نگهداشتن مستمر کاربری‌های شهری، و ایجاد فضاهاى سبز به عنوان یک راهبرد.
  - ۳- آینده‌نگری در تصمیمات مانند برنامه‌ریزی با افق بلندمدت، توجه به ارزش واقعی منابع طبیعی در تصمیم‌گیری‌ها، استفاده از امتیازهای خاص در تصمیم‌گیری، و استفاده از روش ارزیابی در تصمیم‌گیری.
  - ۴- عدالت اجتماعی در جامعه و در بین نسل‌ها، همانند توجه به آثار زیست‌محیطی در خارج از محدوده شهر، پیگیری مستمر از وضعیت کیفیت محیط، الزام همبستگی با سازمان‌ها و نهضت‌های خارجی، و نظارت بر فعالیت‌های صنعتی برای آگاهی از تولید و دفن ضایعات صنعتی.
  - ۵- چرخه سالم توسعه مانند حداکثر استفاده از ارزیابی زیست‌محیطی در ارزیابی پروژه‌های عمرانی، سازگاری و هماهنگی سیاست‌های توسعه، استفاده از روش‌های برنامه‌ریزی محیط زیست بر اساس ظرفیت‌ها و آستانه‌ها، معرفی نمونه‌های موفق در شهرها در زمینه انرژی، مواد و حمل و نقل، در دسترس بودن اطلاعات زیست‌محیطی صحیح و کامل برای مدیران و تصمیم‌گیرندگان.
  - ۶- ترغیب و تشویق شهروندان نظیر تصمیم‌گیری شفاف، نقش خلاقانه مدیران، اتخاذ سیاست مناسب برای یارانه‌ها، و طرح‌های توسعه‌ای که ارتباط و همفکری را ارتقا بخشد.
  - ۷- استفاده از محصولات با دوام مانند نظارت بر تولید کالاها، استفاده از ابتکارات جدید، سعی در توافق و حل و فصل مسائل.
- با این همه، مسئله این است که مفهوم پایداری را چگونه می‌توان در شهرها تحقق بخشید؟

یک شهر پایدار باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد و آیا پایداری در شهرها مفهومی متفاوت با کل توسعه پایدار دارد؟

«توسعه پایدار به مفهوم گسترده یعنی اداره و بهره‌برداری صحیح و کارا از منابع پایه، منابع طبیعی، منابع مالی و نیروی انسانی برای نیل به الگوی مصرف مطلوب، همراه با به‌کارگیری امکانات فنی و ساختار و تشکیلات مناسب برای رفع نیاز نسل‌های امروز و آینده به‌طور مستمر و قابل رضایت. این واژه، اولین بار به‌طور رسمی توسط برانت لند در سال ۱۹۸۷ در گزارش «آینده مشترک ما» مطرح شده است. مفهوم توسعه پایدار بر این حقیقت استوار است که سطح استانداردهای اولیه زندگی انسان را بدون دخالت و تصرف بیش از حد در منابع اولیه طبیعی و تغییر و تخریب محیط زیست که متعلق به همهٔ ابنای بشر است، افزایش دهیم» (رهیافت، ۱۳۷۷: ۲۹).

فرآیند توسعه به‌عنوان یک راه حل مطرح می‌گردد و مطمئناً اگر این نگرش نیز در دهه‌های آتی نتواند به تحقق واقعی خود نایل شود، ضرورتاً باید به دنبال مفهوم جدید گشت، مفهومی که بتواند خلأهای انسانی را پر کند.

برنامه‌ریزی فرهنگی در یک واقع‌گرایی محض می‌تواند به تحقق این آرمان کمک کند. شاید به دلیل گرفتاری‌های اقتصادی، صحبت از برنامه‌ریزی فرهنگی کردن نوعی آرمان‌گرایی تلقی شود، ولی اگر برنامه‌ریزی فرهنگی کامل باشد می‌تواند از بروز مشکلات در سطوح دیگر برنامه‌ریزی بکاهد، توسعه شهری زمانی می‌تواند پویا گردد که در ارتباط نزدیک با توسعه فرهنگی باشد یعنی بخش تجزیه‌ناپذیر آن شود. حیات کالبدی بدون داشتن یک توسعه فرهنگی نمی‌تواند به تعادل برسد؛ نمونهٔ بارز آن را در شکست مدرنیسم در عرصهٔ معماری و شهرسازی ملاحظه کرده‌ایم.

فرهنگ، امروزه کالایی است که با تمام جنبه‌های زندگی سر و کار پیدا می‌کند؛ زندگی شهری با توسعهٔ شهرنشینی نیاز به یک رهیافت فرهنگی دارد که این رهیافت همان توسعهٔ

فرهنگی است.

امروزه توسعه فرهنگی رهیافتی جدید است که در پی آن است تا نقش دولت - مردم و نهادهای میانجی را سامان دهد. توسعه شهری پایدار در بستر توسعه فرهنگی به عنوان یک ضرورت مطرح می‌شود، دوام می‌یابد و ماندگاری خود را بیش از مضمون در محتوا یابد.

«هدف‌های غایی توسعه فرهنگی را در مقیاس یک کشور، در تعاریف و مفاهیم مختلف فرهنگ نمی‌توان یافت، زیرا مفاهیم متنوع، بازتاب نظام‌های ارزشی متفاوت‌اند».

لذا تفاوت در تعریف فرهنگ نیز می‌تواند ابعاد موضوع را دگرگون نماید. «فرهنگ را می‌توان دو جور تعریف کرد: ۱) تعریف پویای فرهنگ که بتواند تغییر و تحول فرهنگی را توضیح دهد. ۲) تعریف ایستا که ویژگی‌ها و شاخصه‌های فرهنگ را برمی‌شمرد.

در تعریف پویا، فرهنگ حاصل مبارزه سازگاران عقلانی انسان با محیط است (خانواده، دولت، جامعه و طبیعت). در این مبارزه، انسان در صدر تعریف خویشتن برای پیدا کردن هویت خویش و نقطه عزیمت و مراحل رشد و کمال خویش است».

ملاحظه می‌شود که فرهنگ، کالایی در حال تغییر و دگرگونی و در تعامل انسان و محیط است؛ بدین سبب، خود سطح زندگی - تکنولوژی - درآمد سرانه و... بر کیفیت آن اثرگذار است. به همین منظور، توسعه فرهنگی صرفاً توسعه اقتصادی محض نیست بلکه توسعه‌ای است تام و مستلزم دگرگونی و نو شدن و شاید تنها خصیصه‌ای که می‌تواند فرهنگ را پویا نماید، تغییر و تنوع است. توسعه پایدار چه به معنای خاص آن توسعه پایدار شهری یا توسعه شهری پایدار و چه به معنای عام آن توسعه پایدار، توسعه‌ای است که هدف آن، زندگی همراه با رفاه و عزت‌های انسانی است و ماندگاری خود را در پویایی و رفع فقر و فاقه می‌جوید. لذا ملاحظه می‌شود که یکی از محورهای مهم توسعه پایدار، رفع فقر و محرومیت است و به همین سبب دستور کار ۲۱ عنوان «منشوری برای آینده بشریت» نام گرفت.

«تنظیم چارچوب برنامه کار ۲۱ حدود پانزده سال پیش آغاز شد. مجمع عمومی سازمان

ملل متحد با قطعنامه شماره ۳۸/۱۶۱ مورخ دسامبر ۱۹۸۳، کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه راه به ریاست پراشلند، نخست‌وزیر وقت نروژ تشکیل داد. گزارش این کمیسیون در سال ۱۹۸۷ منتشر شد و حاوی نگرانی‌های جامعه بشریت از ازدیاد شتابان جمعیت، تخریب و تهي شدن سریع منابع، افزایش فقر و به هم خوردن چرخه‌های طبیعی حیات کره زمین بود. این گزارش مبنای مذاکرات بین‌الدول برای تهیه دستور کار ۲۱ قرار گرفت... یکی از فزایندهای مهم دستور کار ۲۱، تشکیل کمیسیون توسعه پایدار (CSD) زیر نظر سازمان ملل متحد بود. برنامه عمل کمیسیون توسعه پایدار در کنفرانس ریو به تصویب رسید. در دستور کار ۲۱، هدف از تشکیل کمیسیون توسعه پایدار این‌گونه آورده شده است:

«برای یافتن اطمینان مؤثر از پی‌گیری اهداف کنفرانس ریو، ارتقای همکاری‌های بین‌المللی و منطقی نمودن ظرفیت تصمیم‌گیری‌های بین‌الدول و مرور اقدامات اجرایی دستور کار ۲۱ در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است» (دستورالعمل ۲۱، ۱۳۷۷: ۱). آخرین نشست این کنفرانس در سال ۱۹۹۸ برگزار شد.

جهان فعلی قرن را گذرانده است که پیشرفت‌های علمی بسیاری (می‌توان به جرأت اذعان کرد که پیشرفت‌های کسب شده در قرن بیستم از کل پیشرفت‌های تمدن بشری تا پایان قرن نوزدهم بیش‌تر بوده است) را کسب نموده است. اما به این همه پیشرفت در این قرن، بیش‌ترین کشتارها و تخریب‌ها را نیز چه در ابعاد انسانی و مادی انجام داده است. اگر نگاهی به عمر کره زمین و پیدایی موجودات روی آن بیندازیم و تخریب‌هایی را که توسط انسان روی این زیست‌کره انجام شده و در حال انجام شدن نیز هست، ملاحظه نماییم، به ارقام تکان‌دهنده‌ای خواهیم رسید.

«۴۶۰۰ میلیون سال از عمر زمین می‌گذرد. اگر این فراخنای تصورناپذیر زمان را در قالب مفهومی درک‌پذیر بریزیم، می‌توانیم زمین را به آدمی ۴۶ ساله همانند کنیم کرد که درباره هفت سال نخست عمر وی هیچ چیز نمی‌دایم. از هفت سالگی تا نیمه‌های عمر او آگاهی‌های



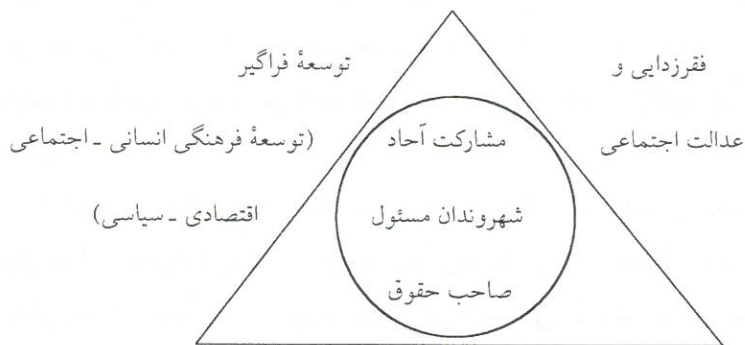
پراکنده‌ای در دست داریم. می‌دانیم که زمین در ۴۲ سالگی آغاز به شکفتن کرد. دایناسورها و خزندگان تنومند در ۴۵ سالگی زمین پدیدار شدند. پستانداران هشت ماه پیش پا به هستی نهادند، در میانهٔ واپسین هفتهٔ عمر زمین، میمون‌ها تحول یافتند و در پایان هفتهٔ واپسین، عصر یخبندان فرارسید و یخ همه جای زمین را پوشاند. انسان‌های کنونی در طی چهار ساعت پایانی عمر ۴۶ سالهٔ زمین، پا به هستی نهادند و در واپسین ساعت عمر آن، کشاورزی را کشف کردند. انقلاب صنعتی در دقیقه پایانی عمر زمین آغاز شد. در طی شصت ثانیهٔ پایانی زمان زیست شناختی، انسان‌ها از محیط زیست کرهٔ زمین، زباله دانی تام و تمام ساختند».

یکی از اهداف مهمی که توسعهٔ پایدار پیش روی دارد حداقل کاهش این ویرانی است. و این مهم میسر نیست مگر با بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی، جهانی شدن (globalization) همراه با محلی‌گرایی (localization) و به ویژه تأکید بسیار زیاد بر گسترش فرهنگ شهری، فرهنگی که با توسعهٔ شهرنشینی نیازمند تحولی جدی است. بستر تمام این فعالیت‌ها در شهرهاست که شکل می‌گیرد و توسعهٔ پایدار شهری در بستری فرهنگی عینیت شاخص توسعهٔ انسانی است.

«شاخص توسعهٔ انسانی (HDI) نتیجهٔ کوششی است به منظور رها کردن دیدگاه توسعهٔ تولید مدار (production-oriented) (که بر تولید ناخالص داخلی یا تولید ناخالص ملی تأکید دارد) و جایگزین کردن دیدگاه دیگری که انسان مدار است. با این حال، HDI شاخص جاننشینی برای GNP نیست. این دو شاخص عوامل متفاوتی را اندازه‌گیری می‌کنند. تولید ناخالص داخلی وسیله‌ای است برای اندازه‌گیری تولید مادی کالاها و خدمات، حال آن‌که HDI وسیله‌ای است برای اندازه‌گیری رشد و پیشرفت انسان و چنین پیشرفتی در یک بافت تطبیقی بین‌المللی ارزیابی می‌شود. شاخص توسعهٔ انسانی خود ترکیبی است از سه شاخص دیگر که هر یک نمایانگر نوعی پیشرفت در انسان است (یونسکو، ۱۳۷۶: ۱۹۳).

لذا در توسعهٔ پایدار شهری، باید اهداف برنامه‌ریزی‌هایی که انجام می‌شوند یا خواهند شد،

کاهش اختلاف درآمدی، افزایش سرانه‌های شهری، کاهش فقر، تأکید عمده بر حقوق شهروندی، رعایت حقوق زنان و کودکان و صلح و آرامش و کاستن از اختلاف سطح زندگی در بین شهر و روستا باشد. برنامه‌ریزی فرهنگی در توسعه پایدار زیست محیطی می‌تواند به صورت یک الگوی نهادین به صورت زیر ترسیم گردد.



ملاحظات زیست محیطی (ساماندهی فرهنگی، ۱۳۷۷: ۴).

یکی از راه‌های تقویت این توسعه، تقویت مشارکت در دو سطح رسمی و غیررسمی است. مشارکت در جامعه به صورت‌های متفاوتی وجود داشته، اما بیش‌تر موردی و بر اساس واقع‌های خاص شکل گرفته است. لذا هیچ‌گاه در جامعه شاهد یک مشارکت استمراری نبوده‌ایم که ضرورتاً برای تحقق توسعه پایدارتری در بستری فرهنگی نیازمند به تقویت آن باشیم. یکی از راه‌کارهایی که می‌تواند این نوع مشارکت‌ها را در جامعه افزایش دهد، ذینفع ساختن مردم در منافع توسعه است. با این عمل، میزان مشارکت نه تنها افزایش می‌یابد، بلکه ضرورت استمرار آن نیز تقویت می‌گردد. در دستور کار ۲۱ نیز بر اهمیت مشارکت‌های مردمی در شهر و روستا تأکید و علاوه بر آن، به مشارکت جوانان توجه جدی شده است. با توجه به این که در کشور ما

ساختار جمعیت کشور بسیار جوان است، تأکید بر این امر نیز خالی از فایده نخواهد بود. لذا دستور کار ۲۱ و فصل ۲۵ آن، به اهمیت مشارکت کودکان و جوانان در توسعه پایدار می‌پردازد. در این جا به چند بند از این دستور بر اساس ضرورت اشاره می‌شود.

۲۵-۲: ضروری است جوانان سراسر جهان فعالانه در همه سطوح تصمیم‌گیری شرکت جویند، زیرا این تصمیمات بر زندگی امروزشان اثر می‌گذارد و بر آینده ایشان نیز اثر خواهد نهاد. جوانان علاوه بر ارائه کمک‌های فکری و نیرویی که در حمایت جمعی از این تصمیمات دارند، دیدگاه‌هایی بی‌مانند نیز دارند که باید مورد توجه خاص قرار گیرد. [تأکید از نگارنده است]

۲۵-۳: در جامعه بین‌الملل اقدامات و پیشنهادهای فراوان در تضمین آینده‌ای سالم و ایمن برای جوانان پیشنهاد شده که از آن جمله است برخورداری آنان از محیط زیست مناسب، سطح زندگی بهتر و دسترسی به آموزش و اشتغال. این‌ها مسائلی است که باید در برنامه‌ریزی توسعه به آن‌ها توجه شود.

۲۵-۴: هر کشوری باید با مشارکت در اجتماعات جوانان خود، امکانات تبادل نظر جوانان و دولت را در همه سطوح پدید آورد و سازوکاری برقرار کند که اطلاعات را در اختیار جوانان بگذارد و به آنان این فرصت را بدهد که دیدگاه‌های خود را درباره تصمیمات دولت، از جمله اجرای دستور کار شماره ۲۱، بیان کنند.

۲۵-۵: هر کشوری باید تا سال ۲۰۰۰ تضمین کند که بیش از پنجاه درصد جوانانش با توازن جنسیت، در مؤسسات مربوط به آموزش متوسطه یا معادل آن یا در طرح‌های کارآموزی حرفه‌ای ثبت نام کرده‌اند یا به آن‌ها دسترسی دارند. این مسئله باید از طریق افزایش مشارکت و افزایش دسترسی به طور سالانه صورت پذیرد.

۲۵-۶: هر کشوری باید به اقداماتی ابتکاری برای کاهش بیکاری فعلی جوانان دست زند، خاصه اگر این بیکاری به گونه‌ای نامتناسب در قیاس با میزان بیکاری کلی بالا باشد، این توصیه

بیش تر صدق می‌کند.

۲۵-۷: هر کشوری و همچنین سازمان ملل متحد باید از ایجاد ساز و کاری برای مشارکت جوانان در همه فرآیندهای سازمان ملل به منظور تأثیر نهادن بر این فرآیندها حمایت کند.

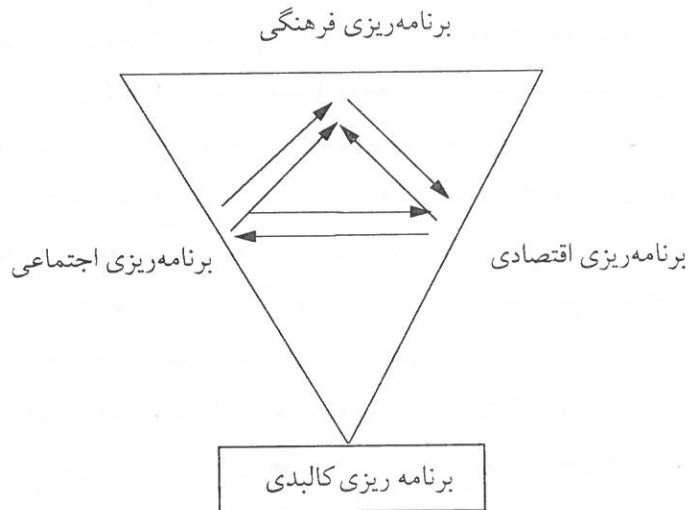
۲۵-۸: هر کشوری باید با سوء استفاده از حقوق انسانی در حق جوانان، خاصه زنان جوان و دختران جوان مبارزه کند و تأمین حمایت قانونی از جوانان، آموزش مهارت‌ها و فراهم آوردن فرصت برای ایشان را در نظر داشته باشد. همچنین جوانان را در تحقق آرزوها و استعدادهای فردی، اقتصادی و اجتماعی آنان یاری کند» (دستورالعمل ۲۱، ۱۳۷۷: ۳۷۳-۳۷۴).

ملاحظه می‌شود که در دستور ۲۱ بر اهمیت نقش مشارکت جوانان تأکید فراوان شده و این نکته قابل تأمل است که این امر میسر نیست مگر این که در کشورهای توسعه نیافته، دولت‌ها به اهمیت نقش مشارکت‌آفرینی خود پی‌برند و از چارچوب مقررات خشک و دست و پاگیر خلاصی یابند و باور کنند که کاوش در مسائل جامعه می‌تواند در حل مسائل بسیاری از مسائل در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر واقع شود. بدون شک اجرای برنامه‌های مشارکتی نیاز به سرمایه‌گذاری‌های فکری و مادی دارد که بعد فکری آن اهمیت بیش‌تری دارد. از آن‌جا که جامعه جهانی با توسعه علوم ارتباطی در حال کوچک شدن است، این مهم می‌تواند در سطح بین‌المللی و در رابطه‌ای دوسویه قرار گیرد. در دستور ۲۱ بر اهمیت تشخیص و تقویت نقش مردم بومی و اجتماعات ایشان تأکید فراوان شده است.

«مردم بومی و اجتماعات ایشان رابطه‌ای دیرین با سرزمین خویش دارند و عموماً ساکنان اصلی این سرزمین‌ها هستند. در این فصل، اصطلاح «سرزمین» در عین حال شامل محیط زیست مناطقی می‌شود که این مردم از دیرباز در آن سکونت داشته‌اند. مردم بومی و اجتماعات ایشان درصدی چشمگیر از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. آنان طی نسل‌های مختلف به شناختی علمی و دیرینه از سرزمین خود و منابع طبیعی و محیط زیست آن دست یافته‌اند. مردم بومی باید به صورت کامل از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، بی‌هیچ مانع و تبعیضی

برخوردار باشند. تا امروز توان مشارکت ایشان در فعالیت‌های مربوط به توسعه پایدار در سرزمینشان به سبب عواملی که ماهیت اقتصادی، اجتماعی و تاریخی داشته، محدود بوده است. با توجه به رابطه متقابل محیط زیست طبیعی با توسعه پایدار، و رفاه فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی مردمی بومی، در کلاس‌های ملی و بین‌المللی برای اجرای برنامه‌های مناسب محیط زیست و توسعه پایدار باید نقش مردم بومی و اجتماعات ایشان پذیرفته و تشویق و تقویت گردد».

در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی باید به صورت نمودار زیر به برنامه‌ریزی‌ها توجه کرد.



نادیده گرفتن هر سطح به معنای زیان رساندن به روند برنامه‌ریزی پویا و همه‌سوی است و رابطه‌ای که بین این سطوح برنامه‌ریزی وجود دارد، رابطه‌ای است که هر جزء را به جزء دیگر



متصل می‌کند.

یکی از مواردی که می‌تواند به این ابعاد برنامه‌ریزی، پویایی بدهد و آن را زنده بدارد مشارکت مردم است تا جایی که برنامه‌ریزی فرهنگی توسعه پایدار به برنامه‌ریزی فرهنگی مردم‌مدار توسعه پایدار تبدیل گردد.

«برنامه‌ریزی فرهنگی به مثابه یک اقدام آگاهانه در جهت حفظ، تغییر، اصلاح، ساماندهی و توسعه فرهنگ، ربط وثیقی به پارادایم<sup>۳</sup> و انگاره نظری حاکم بر برنامه‌ریزی فرهنگ دارد. هر پارادایمی در خصوص فرهنگ، نوعی آگاهی است نسبت به ماهیت فرهنگ، خاستگاه، رابطه آن با عوامل و عناصر اجتماعی دیگر، تغییر و سازوکارهای بقای آن، حوزه‌های فرهنگی، رابطه فرهنگ‌ها با هم، جهت تغییر فرهنگ، قابلیت‌های فرهنگ، به همراه ارزش‌گذاری این امور و راهبردهای عملی ضمنی و آشکار که به برنامه‌ریزی به عنوان عملی ممکن و معقول معنی می‌بخشد» (ساماندهی فرهنگی، ۱۳۷۷: ۶۰).

شناخت برنامه‌ریزی فرهنگی خود به یک پارادایم فکری در عرصه‌های برنامه‌ریزی مبدل خواهد شد. به همین سبب در کنفرانس و نیز مطرح می‌گردد که برای آن که فرهنگ بتواند کیفیت زندگی در جوامع معاصر را غنی‌تر سازد، لازم است تا موضوعات فرهنگی در برنامه‌ریزی محلی مورد توجه قرار گیرد.

«برنامه‌ریزی نمی‌تواند صرفاً بر مبنای ملاحظات اقتصادی باشد. چند تن از نمایندگان در مورد وخیم شدن محیط زندگی، به ویژه در شهرها، هشدار دادند. در دنیایی که به سرعت به سوی صنعتی شدن و شهرنشینی پیش می‌رود، به طوری که در بعضی از کشورها، تعداد ساختمان‌ها در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ دو برابر شده است، کوشش برای حفظ محیط

۳ این اصطلاح اولین بار توسط توماس کون (Thomas Kun) در جامعه‌شناسی به کار رفته است و دارای چهار ویژگی است: ۱- الگودهنده فکری است ۲- تصور از واقعیت دارد، ۳- مجموعه تئوری دارد و ۴- روش دارد (پارادایم اصولاً یک ابزار است برای گروه‌بندی علمی)

زیست به عنوان یکی از ابعاد فرهنگ اجتماع، نقش اساسی در برنامه‌ریزی فرهنگی دارد. شهرها و جاده‌ها زشت‌تر می‌شوند. مردم به زشتی عادت می‌کنند و احساس نیاز به زیبایی در آنان از بین می‌رود. شهرها بدون توجه به اهمیت میراث طبیعی یا فرهنگی و لزوم حفظ آن‌ها توسعه می‌یابند. هر روز بیش‌تر از گذشته، شهرها به جای آن‌که جلوه‌گاه انسان باشند، تصویر غلطی از او ارائه می‌دهند و به مکان‌هایی که برای رشد فرهنگ مناسب نیست، تبدیل می‌شوند. اغلب به حومه شهر و مناطق روستایی بی‌توجهی می‌شود و مناظر طبیعی یا انسان ساخته به گونه‌ای جبران‌ناپذیر نابود می‌شوند. توجه به معماری و برنامه‌ریزی تنها بدین علت نیست که کیفیت گذران اوقات فراغت تحت تأثیر تعیین‌کننده و ویژگی‌های شهری قرار دارد، بلکه از آن‌جا که تجربه فرهنگی مردم به شدت از کیفیت معماری در زندگی امروزه آنان متأثر است و مشاهده ساختمان‌ها اولین آشنایی کودک با هنر است، باید به معماری و برنامه‌ریزی توجه نمود. محیط زندگی فرد را نباید کم اهمیت دانست. محیط در رفاه عمومی و رشد روانی فرد مؤثر است و اگر خشن و زشت باشد، تعادل او را برهم می‌زند، غرایز او را تشدید می‌کند و او را به سمت خیال‌پروری سوق می‌دهد. بنابراین، روشن است نه تنها مناظر تاریخی یا رمان‌ها و حتی ابزار و تسهیلات هنری، بلکه محیط به عنوان یک کل برای زندگی فرهنگی فرد اهمیت دارد (ژیرار، ۱۳۷۲: ۱۴۰ - ۱۴۱).

اهمیت محیط بسیار بالاست و رابطه‌ای که انسان می‌تواند به صورت متقابل با آن برقرار کند، وی را به نوعی به تعامل فرا می‌خواند و این فراخوانی بیش‌تر به خاطر درک حفظ محیطی است که آسیب رساندن به آن در درجه اول، فاعل را متأثر می‌سازد.

بدون شک، توسعه پایدار انسانی زمانی می‌تواند به تحقق عینی خود برسد که ریشه‌های فقر از جامعه جهانی زدوده شود. رعایت حقوق انسانی در چارچوب‌های قوانین بین‌المللی برای یک صلح پایدار فوق‌العاده دشوار است، جامعه‌ای که در آن هزینه‌های سرسام‌آور نظامی باید به بهبود زندگی انسان‌ها و بقای آن‌ها کمک نماید، و این ضرورتی است که تحقق آن دیر یا

زود به انجام خواهد رسید.

### نتیجه گیری

امروزه برنامه‌های رشد و توسعه بدون در نظر گرفتن جایگاه و نقش برنامه‌ریزی فرهنگی نمی‌توانند از موفقیت کاملی برخوردار باشند، شناخت فرهنگی مستلزم مطالعات پایه در رشته‌های تخصصی مربوط است. سازوکار رشد سریع در بیش‌تر مواقع بدون در نظر گرفتن جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد. علاوه بر آن، توسعه پایدار شهری مادام که فقر و فاقه ریشه کن نشده باشد، به رهیافتی مناسب دست نخواهد یافت. مشارکت در برنامه‌ریزی‌های شهری، رکن رکن توسعه پایدار شهری است و برنامه‌ریزی باید از حالت آمرانه خارج گردد و به شیوه‌ها و سازوکارهایی رو آورد که با در نظر گرفتن معیارهای فرهنگی بتواند به نتایج لازم دست یابد.

### منابع

- خلاصه مقالات ساماندهی فرهنگی. تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۷۷.
- درم‌بخش، کیومرث. متالوژی و مواد. س ۴، ش ۳، ۱۳۷۷ - ۱۳۷۸.
- دستورکار ۲۱، ترجمه حمید طراوتی و سید امیر ایافت. تهران: سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۷.
- رهیافت. ش ۱۹، پاییز ۱۳۷۷.
- ژیرار، اگوستین. توسعه فرهنگی. ترجمه زرین قلم و دیگران، تهران: ۱۳۷۲.
- فاضلی، رضا و نعمت‌الله. فرهنگ و توسعه. تهران: یونسکو، ۱۳۷۶.
- گریفین، کیث؛ مک کنگی، تری. تحقق استراتژی توسعه انسانی. ترجمه غلامرضا خواجه پور. تهران: مؤسسه تأمین اجتماعی، ۱۳۷۵.

- گزارش توسعه انسانی. ترجمه قدرت الله معمارزاده. تهران: سازمان برنامه و بودجه سال

۱۳۷۴.

- مجله محیط‌شناسی. ش ۲، «شهر و شهرسازی و محیط زیست»، ۱۳۷۶.

- محمدی، تیمور. بعد فرهنگی توسعه. تهران: سازمان برنامه و بودجه، جلد اول، ۱۳۷۶.

- مکنون، رضا. «توسعه پایدار»، نشریه انجمن متخصصان محیط زیست ایران. ش ۱،

تابستان، ۱۳۷۴.

- هیگینز، کاترین؛ بید، آن. آر. برنامه‌ریزی محیطی برای توسعه زمین (راهنمایی برای  
برنامه‌ریزی و طراحی محلی پایدار). ترجمه سید حسین بحرینی، کیوان کریمی. تهران:  
دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

- Bairoch, P. *Cities and Economic Development*. Chicago, The University  
of Chicago Press, 1988.

- Bouin, B. O and Michalet, Ch-A. *Rebalancing the Public and Private  
Sectors Developing Country Experiences*. Paris: OECD, 1991.

- Cheema, S. (ed). *Urban Management: Policies and Innovations in  
Developing Countries*. USA: Praeger, 1993.

- Clarke, G. *New Approaches to Urban Planning and Management in  
the 1990s: The Role of Unchs (Habitat) Urban Management Group.  
UNCHS (Habitat) Nairobi*, 1989.

- Darey, K. J, "Elements of Urban Mangement". *Urban Mangement  
Program Paper*. No 11, World Bank, UNDP & UNCHS, 1993.

- Devas, N. and Rakodic (eds). Washington DC: *Managing Fast Growing  
Cities: New Approaches to Urban Plannig and Mangemnt in the*

*Developing World*, Singapore: Longman, 1993.

- Williams, Kate, Burton, Elizabeth, Jenks, Mike. *Achieving Sustainable Urban Form*. E & FN spon, London and NewYork: E & FN spon, 2000.

- *World Conservation*. U. N Environment Program and World Wide Fund for Nature, 1994.

- [www.pdacitydub.org/sustainability.pdf](http://www.pdacitydub.org/sustainability.pdf)